

مدنیت کی ودرجکاظهور کرده است؟

اسبت بدستياب شدن بقايا و احافير بشریه در علاقه نائکانیکو اقمراءعظم افريقا امروز در بين علماء نرال و مبارزه فکری شدیدی در جریان است یکی ازین دسته ها بقایای بشریه مذکوره را اقدم و کهنه ترین آثار بشریه اعتبار داده و دیگران ازین مسئله انکاری و رزاد مقاله ذیل شامل بحث سود مدنیت است که بقام سرآشکریت عالم بزرگت انگلیسی راجع بظهور انسان در روی زمین و منشأ مدنیت آن تحریر یافته است میبحث جدید تربتیکه علماء در راه قیام کرده اند نیزین مدعا دلیل شده میتواند .

نجس و کنجکای و ی نمودن از بقایای انسان اولیئیکه در روی کره خاک کی حیات خود را بسر آورده است هنوز هم در هر نقطه و مکان بایک صورت مستمر در جریان است چنانچه روزی نمیکند که دانشمندان فن آثار و بقایای جدیدی را از اولاد آدم که نظر بر آن منشأ مدنیت او قرنها پستروا نمود میگردد بدست نیساورند و لی دو سوال معضلیکه قلب و خاطر هر دانشمندانرا اشغال میکند همین است که مدنیت در کجاها و بکدام وقت ظهور کرده است فی مطالعات فرسکی

علمای آناپس از زمان الحرب عمومی در این موضوع کامیابی و موفقیت های زیادی نشان داده اند زیرا اکتشافات احافیر و بقای بشریه که در هر جا متوالیاً صورت پذیر گردیده با یکصورت مجموعی تصدیق میکنند که مهد اولین مدنیت بشر قطعه زمینست که فیما بین مصر و هندوستان وقوع دارد و شاید مراد از آن مملکت ایران و یا علاقه های مجاور آن بوده باشد چنانچه بوجه اجمال گفته میتوانیم حضارت و مدنیت بشر هنگامیکه فرزند آدم قدرت حاصل نمودن ضروریات غذایی خود را در سایه

کشتکاری حبوب بری از قبیل گندم، جو، جواری و مانند آن احساس نمود بعبارت دیگر هنگامیکه فن زراعت و کشتکاری را دریافت کرده شروع شده است امروز قرائن مختلفی دلات میکند که اکتشاف مذکور خیلی قدیم یعنی ده هزار سال پیش از امروز صورت گرفته که خود این تاریخ از عمه آن تواریخیکه علما نسبت به اکتشاف زراعت کشتکاری قائل گردیده اعتقاد می نمودند قدیم و کهنه تر میباشد.

لیکن اولاً بشر از در رسید ماهی و حیوانات ساثره به دور زراعت و کشتکاری نمودن حبوب بریه بصورت خیز نمودن فوری انتقال نکرده بلکه سالیان درازی را درین امر بسر آورده است و هنگامیکه فن زراعت در دسترس انسانی قرار گرفت سنگ نهداب بنائی قصر مدینت خویش را بر روی آن استوار نمود بنای مذکور پس ازین برار کان چندیکه مهمترین آن عبارت از تقسیم کارها مبادله تجارت و ساختمان شهرها باشد قرار یافت.

لیکن از جمله آنها نظر بجزیران عرف رکن آخرین را - یعنی تاسیس و ساختمان شهرها را - شروع مراحل مدینت اعتبار مینمایند. فی الواقع اجتماع نمودن يك دسته بزرگ مردمان برای تاسیس نمودن چندین مکان و برای بود باش و اقامت نمودن خویش در حیات انسان اول بدعت و چیزیکه نو تر بحساب آمده بدت مذکور هم از چندین جهت خلاصه از جهت حیات او برای اینکه معیشت جدید او با محیط غیر متفرقه اش موافق و سازگاری نماید انقلاب عظیمی را که از اهم ترین وجوه آن ظهور نظام حکومت باشد ایجاب مینمود:

شروع نمودن انسان به سکنی گرفتن در شهرها و اصل مرحله و منزل جدیدی از مراحل ارتقاء گردید ما هم به نسبت موجود بودن براهین و دلائل قاطعه نیکه در دست است حکم نموده میتوانیم که از شش هزار سال پیشتر ازین به مرحله مذکور موصلت جسته

وقدیم ترین شهرهای معروفه عالم مانند دمشق، اثنا، روما مثال آن نسبت بعصریکه اولاد بشر به تشید مدن و شهرها شروع کرده است نازه و جدید بشا ر می آید و شهرهای زیادیکه در زمانه های گذشته یا بعرضه ظهور نهاده بود امر و ز تعبیر از آن نارسبزه ها که بمرتفعات و تپه های آن نشوونما میکیرد و چیز دیگر از آن باقی نمانده است و همین مسئله دلیل می شود که مدن و شهرهای مسکونه بشر نیز مانند خود او مفروض فنا و زوال میباشد.

اسلوب های تدقیق

درینجا مجبوراً باید یادآوری نمانیم که راجع به تدقیق و کنجکاوئی نمودن از منشا و ابتداء ظهور مدنیت بشری دو اسلوب موجود است نخستین آن ناز مدنیت را از قدیم ترین زمانه های آن زیر تتبع خود قرار داده صعود نمودن نزدیک میگردد ولی اسلوب ثانوی آن ناز مذکور را در تحت تدقیق گذاشته الی الی الی رجعت میکنند یعنی دسته از علمای علم اجتماع تاریخ مدنیت انسان را از زمان ظهور و پیدا شدن آن تدقیق کرده بالا تر میروند ولی فریق دوم از نقطه نیکه امروزه مدنیت به آن موصلت کرده است شروع نموده بدنیال و زمان گذشته بازگشت مینماید لیکن تا کنون هر دو فریق یک با هم یگر خود مقابل و راست نیسا مد اند زیرا بر زخ عظمی در بین هر دو وقوع دارد که آنها را از موصلت نمودن یک با دیگر باز میدارد و از طرفین راجع بمسد و ساختن این فاصله و بر زخ برای اکمال نمودن سلسله جهد زیاد بی بخرج میرسد بر زخ مذکور در حقیقت اهم ترین دو رهای نشوونما میباشد چه دوره را که انسان در خلال آن از بر ستش نمودن طبیعت به تذلیل و بر ستش کننده ساختن آن نحول کرده باشد شامل میباشد برای

ایضاح نمودن اقوال بیشتر خود میگوئیم برخی از علماء با میدا ینکه به تجدید و اندازه نمودن زمانه های ظهور را ولاد انسان بر وی کره خاکی و منبع نشوونما و ایقایی او موفق آید احافیر و بقایای قدیم بشریه را در تحت تدقیق و کنجگویی خویش قرار داده اند این دسته همان دسته اولین است که بیشتر از سایر نمودیم لیکن پیر و ان اسلوب نانونی تا ریخ حضارت و تمدن های مختلفه را تدقیق نموده الی الی الی یعنی قهقرا رجعت میکنند تا باشد با پیر و ان اسلوب اول در همین مرحله که هنوز درین دورها و مراحل نشوانمان عصره مجپولی را اشغال میکنند اعی نقظه که در ان اوسکوت مغاره ها و جنگلها به مخلوق دیگری که زراعت و کاشتکاری را دانسته و شهرها را برای سکونت نمودن خود آباد نموده است راست آمده ملاقات نماید مباحث و تدقیقات فریق نانونی در نتیجه قدمه هایکه بدنبال رجعت نموده است کامیابی و موفقیتی نشان داده است چه با یکصورت غیر قابل اشتباه ثابت کرده است که مانند گفته سابق مابقی نوع انسان شش هزار سال پیشتر از امروز شهرها را جهته سکنی و بود و باش نمودن خود در طرف اشتهال قرار داده است ولی نباید اشتباه کرد که بود و باش نمودن ان دو بین شهرها امر این نوع نیست که شهر و شهریت را شناخته باشد زیرا قرآن زیبایی درینجا بدست دارد که بترقی و اعتبار شهرها شش هزار سال پیشتر از امروز بطور وضوح دلالت مینماید چنانچه شهر (اور) کلدان مثلاً (چنانچه در تورات بیزان ذکر می در میان آمده است) شش هزار سال پیش از امروز خیلی بزرگ و پهناور بوده تعداد باشنده گان و ساکنین آن اگر زیاده نباشد از چهار صد هزار نفر کمتر نخواهد بود اینک برای و اصل شدن شهرها به همچو یک مرتبه عظمت و ارتقا لابد فرزند آدم شهرها را پیش ازین برای سکنی و بود و باش خود اختیار نموده است.

آنچه در اینجا بیشتر قابل تذکره می شده این است که اش (Usher)

رئیس اسقفهای اسبق انگلستان گمان میکند خداوند تعالی عالم را - ۴۰۰۴ - سال پیش ترازمیلاد مسیح نیز بوجه تقریب شش هزار سال پیش تراز امر وزییدا نموده است تا مبرده گمان خود را بروی همان حوا دئیکه در تورات مذکور است قائم نموده ولی بدون هیچیک اشتباه حساب سنجیده او خطا و خلاف حقیقت میباشد و هیچکدام از علمای دین بحساب مذکور قانع نبوده از تسلیم نمودن خود داری مینمایند زیرا تاریخ با یکصورت غیر قابل اشتباه کرده است که ۴۰۰۴ سال پیشتر از میلاد بلاد مصر وین النهرین دارای مدنیت بلند و ثا نداری بوده کناره های رود نیل و دریای فرات میدا نه های سر سبز و بر حاصل را در آغوش میکشید است .

در اینجا هم اضافه نموده میگویی که پیروان (اسلوب اول) که ما پیشتر ازین بیان و اشارتی بآن نموده ایم بقایای خیلی قدیم بشر و بعضی مغاره های را که فرزند آدم تقریباً ده هزار سال پیشتر باین طرف آنرا محل سکنی و بود و باش خود قرار داده بود سیاب نموده است در خلال مدتی که بین تاریخ مذکور و عهد اولین سکونت انسان در شهرها (که از چهار هزار سال کمتر نیست) انسان اول شاید که نژاد سفید آسیائی باشد - اساس مدنیت حاضر را بنا گذاشته است .

رساله مغاره های فلسطین *

اکنون باید جهد و مشقانی را که علماء در راه دست یاب دریافت نمودن تاریخ انسان اولی مغاره ها را بیشتر از فجر مدنیت تا بزبان فهمیدن طریق زراعت و کاشت کاری ما و او مسکن خویش قرار داده بود تتبع نمایم پوشیده نیست که علمای انتر و پولوژی (علم الانسان) برای مباحث خصوصی خود نسبت بخوادنی که قبل

از زمان تاریخ بوقوع آمده باشد بعضی از نقاط جلی و اشکاری را مبداء اتخاذ کرده اند، علمای ژئولوژی براهین و دلائلی در دست دارند که اثبات می نمایند عصر جدیدی در علاقه مغرب اروپا ده هزار سال پیشتر از امروز اختتام گرفته و انتهای دوره مذکور مبداء مرحله مهمی از مراحل نشوء انسان میباشد. طوریکه براعظم اروپا درینوقت شامل عدده قلیلی از ساکنین بوده این مردم بایک صورت طبیعی و بی تکلفانه حیات بسر آورده از شکار ماهی و حیوانات سائره خوراک خود را حاصل می نمودند. از کشت و زراعت و رسیدن و بافتن همچنین ساختن ظروف سفالین و یا معدنی و امثال آن از سائره مظاهر مدنیت بی بهره بودند جمیع آلات و ادوات شان از استخوان و سنگ بوجود آمده خانه و مسکنی از ساخته دست خود دار نبودند بلکه مغاره ها و جنگلهای باخود بیابانهای بی سروپا را منزل و ما و ای خود اختیار نموده عمر بسر می آوردند بعلاوه قرائن موجوده با هیئت مجموعی دلیل میشود که تا به سه هزار سال پیشتر از تاریخ میلاد در علاقه غرب اروپا زراعت و کاشتکاری شناخته نشده بود. حالانکه مصریها بطور اقل هزار سال پیشتر از تاریخ مذکور از آن واقفیت داشتند. بدینصورت هنگامیکه ساکنین خاک اروپا بامور ختن زراعت موفق شدند؛ مصریها از ساختمان خود فراغت حاصل نموده بمر اهل و منازل از اهالی اروپا سبقت و پیشقدمی اظهار می کردند. از اینجا اثبات میگردد که نجس منشأ مدنیت در خاک اروپا از امور عبث و لاطائل است. زیرا خاک اروپا منشأ مدنیت نیست بلکه شرق حائز این مقام میباشد.

اگر چه نسبت بسکونت انسان در مغاره ها معلومات قابل الذکری پیشتر از ۱۹۲۵ در دست رس ما نبود ولی در سال مذکور یکی از فارغ التحصیلان یونیورسیتی (اکسفورد) موسوم به (توروبلی پلستر) به نجس و کاوش از آن تاریخ

در یکی از مغاره های فلسطین که بسا حل غربی بحر جلیل وقوع داشت؛ شروع نموده و بالاخره در نتیجه کنجکاوی و تجسس خود بزمین مغاره مذکور احافیر و بقایای قدیمه ادوات سنگی را بدست آورده و در نتیجه بحث و تدقیق معلوم گردید که به ۳۰۰۰۰ سال قبل از تاریخ میلاد مسیح تعلق میگیرد. یعنی دارای عمری بالغ بر ۳۲ هزار سال بلکه بیشتر ازین میباشد از بقایا و احافیر متروکات مذکوره ثابت گردیده که اهالی و ساکنین خاک فلسطین درین وقت با طوائفی که اروپا را مسکن خود قرار داده و پس از زمانی انقراض نموده و معروف بطوائف ندرتالی بود مشابیهت زیادی رسانیده اند. بدوران سال های ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰ - سلسله اکتشافات مدهشی را جمع به تعیین تاریخ طوائف فلسطین که از ۳۰ تا بحوالی ۸ هزار سال قبل از میلاد مسیح مغاره هارا محل سکناى خود آورده بودند باین صورت متوالی و لایه ب لایه قطعاً دامه گرفت تا می اکتشافات مذکوره منسوب است (به مادام دورونی کاردو) که امریز از مقتدرترین علمای اتروپولوژی (علم الانسان) بشمار میآید. نامبرده مغاره های فلسطین را یکی بعد از دیگر مورد حضاری و تدقیق خویش اتخاذ نمود معروف ترین این مغاره هادر نشیب غربی (جبل الکرمل) وقوع داشته بمیدان (شاردن) که در کتاب تورات ذکرى از ان در میدان آمده و بسا حل بحر مدیترانه خاتمه میگرد؛ مشرف بوده است گارردوی مشارالیهاده مغاره مذکور احافیر بقایای ۵۰ نفر زن و مردی را دستیاب کرد که طوائف اولیه ساکنین حوضه مدیترانه را تمثیل می نمود. علاوه تا بمعیت بقایای مذکوره آلات و ادوات دیگر مصنوع از سنگ چقماق نیز بدست آمده بود. در جمله آلات و ادوات مذکوره شمشیرها و حربه های دیده میشود که بصورت متشابه رخنه وار گردیده دارای بریق و لمعان مخصوص میباشد بنهجهیکه ممکن نیست لمعان و بریق مذکور را بغیر از قطع خوشه های گندم و جو که دارای یک نسبت بزرگی از ماده (سبکامت) میباشد از چیز دیگر بدست آورده باشد. اینک در سایه این

اکتشاف تقریباً دلیل قاطعی بدست آوردیم که ساکنین خاک فلسطین (۸۰۰۰) سال قبل از میلاد (یعنی ده هزار سال پیشتر از امروز) کاشت کاری و زراعت گندم و جو را دانسته و سوره و مملکت های همسایه آن از زمانه های دور و درازی مزارع و کشت زاری مخصوص زراعت گندم و جو و امثال آن اتخاذ شده است.

از بیانات سابقه ما دانسته میشود که در بحث موجوده فرقه اولین علما یعنی همان دسته که تاریخ نوع انسان را از ابتدای نشئت و پیدایش اشیا و زیر تدقیق و مطالعه خویش قرار داده بالاتر قدم گذاشته میروند متابعت و پیروی نموده آمده ایم لیکن بی مورد نه بلکه بهتر است فریق ثانی یعنی آنهایی را که آثار مدنیت موجوده بشریه را زیر کنجکاو و نجس خود قرار داده الی الوری یعنی بعقب و دنبال حرکت مینمایند نیز رفیق طریق و همقدم بشویم اگرچه راجع بمسأله ریسکه با بددربحث موجوده خویش بآن رجوع نمائیم هیچ یک اختلاف موجود نیست. چه بلاد بین النهرین را شامل است پس از حربه عمومی عامای عتیقه شناسی بکرات و مراتب کنجکاو و های خود را در آنجا از سر گرفته بامید دستیاب نمودن آثار تاریخی تپه ها و برجسته گیهای زیادی را مورد حفريات خویش قرار داده اند چنانچه امروزه هم چندین هیئت اعزازی انگلیسی و امریکائی برای تجسس و کنجکاو نمودن آثار عتیقه در آنجا مشغول عملیات بوده از آثار مقصوده هر چه ممکن و میسر کرد داند و خسته و جمع آوری نموده می روند.

(قدیم ترین شهرهای عالم)

در مقدمه هیئت های اعزامیه مذکور جمعیتی که موزیم (برطانیای) یونیورسیتی

(بنسلوانیا) بدستگیری هم ارسال نمودند، همچنین هیئت اعزامیه بونیوریستی (اکسفور) و موزیم شهر (شیکاگو) قرار یافته است مرتبه اول در تحت ریاست استاد (لیوناردولی) در منطقه تپه‌های (اور) کلدان و نائوی بزیرنگرانی استاد (لنگدون) از خرابه‌های شهر (کیش) که پیش از اعتلای شهر با بل بزرگترین شهرهای گیتی شمار یده میشد مشغول کنجکاوی و نجس‌ساز می‌باشد. استاد (دولی) مشارالیه در منطقه خرابه‌های (اور) خندق طولانی به عمق ۵۳ قدم حفر نموده در اثنای اجرای عملیه حفاریات خندق مذکور پیش از آنکه بمستوای میدانیکه شهر (اور) قدیم بران انشا گردیده بود مواصلت نماید بطبقات مختلفه زمین که شامل ادوات و آثار سفالین و زیورات و بقایای مقبره‌های زیادی بود مصادف شد و از آثار و اشیای آنتیکه مذکور نه تنها بدریافت عقائد و عادات مرعیه معیشت قوم و جنازه‌شان موفق گردید بلکه تاریخ اشیای مذکور را نیز لوحه تحقیق بر وی خود کشف و استنباط نمود مثلاً وقتیکه حفاریات مشارالیه به عمق ۳۷ قدم بالغ شد برایش معلوم گردید که طبقه مترا که آنجا به نزد یکیهای ۴ هزار سال قبل از میلاد تعلق می‌گیرد طبقه مذکور از رسوب آبهای سیلاب بزرگی تشکیل و تکوین یافته است و چنان ظاهر می‌شود که سیلاب مذکور ۱۶ قدم بلندتر از مستوای اصلی میدانی که ساکنین (اور) شهر مسکون خود را در همان وقت بروی آن انشاء نموده بودند بالغ گردیده است - باری اگر بحساب (انتر) رئیس اسقفهای انگلستان که پیشتر ازین نیز اشاره شده است مراجعت نمایم بوقوع طوفانی که ذکر آن در تورات آمده است اشاره نموده می‌گیرد طوفان مذکور سال ۲۳۴۸ قبل المیلاد بوقوع آمده است لاکن آناری که در شهر (اور) بظهور رسیده است حادثه مذکور را بیشتر نشان داده وقوع آن را بحوالی ۴ هزار سال قبل از میلاد می‌شمارد مع ذالک اشارات وارده تورات بانجابجی که استاد (دولی) بدست آورده است کاملاً دارای روح اتفاق

وحدت بوده اثبات مینماید که کره خاکه بیشتر از تاریخ طوفان باشهرهای زیاد معمور و آراسته یا عبارت دیگر فرزندان آدم با حیات هنری و سکونت شهرها بیشتر از تاریخ مذکور آموخته و آشنا بوده است زیرا شهرها و مدن موجوده همان روز معمور و آراسته بوده و این ممکن نیست مگر اینکه هرچه یک مرتبه ترقی و اعتلای آنرا بمرور احقاب و از منته طولانی و درازی بدست آورده باشد.

اما شهر (کیش) یا (قیس) را علمای تاریخ قدیم ترین شهرها ثبوت که در بلاد بین النهرین آباد گردیده اوج مجد و عظمت خود را در اواخر ۴۰۰۰ سال پیشتر از میلاد مسیح بالغ شده است اعتبار مینماید فی الواقع شهر مذکور مقام چنان عظمت اتساعی را اضرار کرده بود که به عصر خود در مصاف شهرهای بزرگ و شاندار درجه اول حساب میگردد و اوریکه مساحت سطح آن تقریباً به (۲۵) مربع میل بالغ بوده است و اگر بالفرض (هرانگیر) زمین آن را فقط اصد نفر (که این اندازه نسبت معلومات که در باره عموم شهرهای شرق در دست داریم خیلی کم میباشد) مسکون اعتبار نهائیم مجموعه عدد ساکنین آن از ۴۰۰ هزار نفر کمتر نبوده است استاد (لنگدون) در شهر (کیش) با همچنان اناری تصادف نمود که استاد (دولی) در شهر (اور) آنرا دستیاب کرده است بدون آنرا طوفان (زیرا آثار مذکور نسبت به شهر اور در شهر کیش تازه و جدیدتر دیده میشود) تفصیل این نکته همین است که استاد (لنگدون) در شهر (کیش) نخست مستوای طوفان اناری بدست آورده که استاد (دولی) در شهر (اور) بلندتر از مستوای مذکور بان تصادف کرده است. تفسیر این بیان چنین کرده میشود که اساس شهر (کیش) بنزدیکیهای زمانی که تهداب شهر اورا گذاشته میشد با چیزی بیشتر از آن نهاده شده است.

اگرچه در طبقه تحتانی تهداب شهر (کیش) اناری دیده شده که در شهر اوره وجود

میباشد اعنی رسوبات عصر ژئولوژی معروف (پیلولیتی) یا عصر حجر جدید که با اتفاق جمع علمای انتر و پولوژی (علم الانسان) فاتحه ادوار مدنیت شناخته می شود زیرا در همین روزاست زراعت و کاشتکاری ظهور کرده فرزند بشر به اختراع ریشتن و بافتن متسوجات صناعت ادوات سفالین موفق گردیده است ولی صناعت معادن هنوز با یک حالت غیر معروف و نامیکرده است.

بعلاوه استاد لنگدون مشا را ایه در زیر تهاداب های شهر کیش یک طبقه رسوبی لای و لجن نیز مصافد گردیده که ارتفاع آن به ۹ قدم بالغ و دانسته میشود که ساکنین و اهالی این میدان در اثنای رسوب مواد مذکور بدور حضارت پیلولیتی (بصورت جماعه ها و دسته ها امرار حیات نموده هنوز عصر ناسیس شهرها شروع نگردیده است.

(یک نظر عمومی)

راجع همین است که انتقال انسان از دور نیپولیتی (حجر جدید) بدور شهرنشینی در عین بلاد بین النهرین صورت پذیرد و نگردیده بل در مقامیکه بعلاقه های مشرقی آن در مرتعات ایران وقوع دارد تمام شده است و اغلباً شهر قدیم ترینیکه انسان بساختن و ساختمان آن پرداخته هم تا شهر (سوسا) یا (سوسن) (باشوشن) میباشد که در تورات نیز را جمع بآن تذکاری شده و پایشخت (عیلام) بوده است این شهر بدون هیچ شبهه مرکز حضارت بشر را تشکیل نموده و در اثنای ایران موسوم به احشوریش دران قصر عالی و معظم را دارا بوده که بقرب آن قصر دیگر که مخصوص برای سکونت نمودن (مردخای) (واستیر) که ذکرشان در تورات مطور میباشد وقوع داشته است؛ از مدت چهل سال باین طرف بعضی از علمای آثار فرانسوی برای دریافت نمودن شهادت های شهر (شوشن) (سابق الذکر مشمول نجس کنجکاوی گردیده بالاخره آثار قصر دیگری را که از قصر (مردخای) چندین هزار سال قدیم تر میباشد دستیاب نموده

همچنین بشهر دیگری نیز تصادف کردند که ظاهراً چندان وسیع و با عظمت دیده نشده ولی پنجم هزار سال پیشتر از میلاد مسیح حضارت مشعشمی را دارا بوده است و میتوان گفت که شهر مذکور نسبت بشهر شوشن قدیم تر و بدینصورت شهر شوشن مرکز اولین حضارت بشری نبوده است علی کمال حال شهرهای را که مرتفعات ایران از چشم خود گذرانیده نسبت بشهرهاییکه در بلاد بین النهرین بنا نهاده شده بلکه علی الاطلاق از همه شهرهای که نوع بشر اقدم و کهنه تر بوده است باری اگر بجهت سائره آسیا عطف توجه نمایم دانسته میشود که حضارت انسان زمانهای نهایت قدیم علاقه شرقی بین النهرین را ترئین نموده است بنهجیکه (سرجون مارشال) در وادی نهر سند آثار شهرهای را که با و آخر ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد دارای آراستگی و نظرفریبی زیادی بوده اند بدست آورده و در مرتفعات مجاوره نهر مذکور بچنان بقایای مصادف شده است که دلالت میکند در اوقات طلوع فجر مدینت مرتفعات مجاوره نهر مذکور سکون یکی از اقوام بشر بوده است همچنین جمیع قرائین دلیل میگردد که موج مدینت از مرتفعات مجاوره نهر سند و میدانیهای (عیلام) بهر جانب غرب یا بلاد بین النهرین جزیره نهای عربستان ، سوریا ، فلسطین ، مصر ، حرکت نموده پس از آن جانب شرق تا بهندوستان ، چین برآه افتاده بعد ازین بصورت تدریجی آهسته آهسته سائرتفات معموره را که از جنه آن اروپا و امریکا باشد نیز در تحت سیر و حرکت خویش قرار داده است .

اینست بیان موجز و مختصری که راجع به نباتات مدینت بشری از زمان طلوع فجر مدینت تا زمانه موجوده که از نقطه نظر هر یک از اسلوبهای سابق الذکر آن را تتبع کرده ایم از آنچه بیان گردیده دانسته می شود که خروج انسان از دور سکونت مغاره هسا بدور اجتماع هشت هزار سال قبل از میلاد یعنی از ده هزار سال پیشتر از امروز بوقوع پیوسته از همین روز فرزند بشر بحیات حضری و مهارت زراعت بر داخته آمده است قرائن هم

بنوبت خود دلالت مینماید؟ خارج شدن انسان از سنگی گرفتن مغاره ها بدو ر شهر و شهریت در مدتی که فیما بین ۸ تا ۵ هزار سال قبل از میلاد قرار میداد بد صورت پذیر گردیده است و فی الواقع شهر هائیکه در بلاد بین النهرین و مرتفعات ایران وقوع داشت پنجهزار سال پیشتر از میلاد مسیح خیلی مزین و معموره بوده است برای نائل شدن بهمچنین بک از استگی و معموریت شهرها بمذکور لابد مر حله طولانی را سپری نموده خواهد بود مر حله مذکور از سه هزار سال پیشتر نمیباشد زیرا فرزند آدم هشت هزار سال قبل از میلاد ساکن مغاره ها و پنجهزار سال پیشتر از آن شهر های مزین و آراسته را دارا بوده است بنا بر آن فاصله را که مدنیت در بین تاریخ سکونت مغاره ها و معموریت شهرها پیموده بک گام وسیع و مسافه زیادی بوده است بطوریکه نائل شدن مدنیت با این مرتبه عالی در عجب بک مدت غیر طولانی (یعنی سه هزار سال) عجب و مدعش ترین واقعاتی است که برای انسان در سیر تطورش مصادف واقع شده است



رساله علم و ادب